

نقش تربیتی خانواده و تأثیر آن بر سبک زندگی منتظران در اندیشه و

سیره امام خمینی رحمته‌الله علیه

طاهره صادقی^۱

چکیده

تجلی پیوستگی و درهم آمیختگی عنصر تربیت دینی و سبک زندگی اسلامی در همه شئون و ابعاد زندگی منتظران حقیقی، در عصر هجوم فرهنگی بیگانگان، نویدبخش طلوع خورشید ولایت از مشرق هدایت انسانیت است. آشنایی با روش‌های تربیت اخلاقی فرزندان در راستای انتظار واقعی ظهور، نیازمند اطلاع از فرایند دیدگاه و سیره بزرگانی است که در حوزه نظریه‌پردازی معرفتی، فرهنگی، تعلیم و تربیت و عملکرد خانوادگی، موفقیت‌هایی را برای جامعه انسانی به ارمغان آورده باشند. این نوشتار در صدد است تا در چهار عنوان، «نقش‌آفرینان تربیت در نظام هستی»، «بنیان‌های هویت‌ساز تربیتی»، «مدیریت و روش تربیت دینی»، «آسیب‌های تربیت و سبک زندگی»، با واکاوی و بازخوانی مختصر اندیشه‌ها و سیره عملی امام خمینی رحمته‌الله علیه در حوزه تربیت فرزندان و سبک زندگی دینی، ایشان را به عنوان موفق‌ترین ایده‌پرداز و سبک‌آفرین زندگی منتظران، برای مخاطبان به اثبات برساند.

واژگان کلیدی: تربیت، خانواده، سبک زندگی، انتظار، منتظران، مهدویت،

امام خمینی رحمته‌الله علیه.

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، مدرس گروه علمی-تربیتی زبان فارسی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی

۱. مقدمه

برجسته‌ترین امتیاز مکتب اسلام نسبت به دیگر ادیان و مکاتب، تربیت انسان است. از مجموع آموزه‌های وحیانی چنین استنباط می‌شود که آیات قرآن و احادیث معصومین، با توجه به ویژگی‌های بنیادین فطرت و کرامت انسانی، به عنصر تهذیب و تربیت انسان توجه خاص کرده و هدف اصلی نزول وحی و بعثت رسولان الهی در این رسالت خطیر نهفته است؛ زیرا از این نگاه، اساس عالم به تربیت انسان است. انسان، عصاره همه موجودات و فشرده تمام عالم است و انبیا آمده‌اند تا این عصاره بالقوه را بالفعل کرده و انسان به یک موجود الهی تبدیل شود. این موجود الهی، تمام صفات حق تعالی را داشته و جلوه‌گاه نور مقدس خداوند است (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۲).

بدیهی است که اندیشمندان غیردینی، هر کدام از زاویه‌ای متفاوت و به دور از توجه و شناخت ابعاد زندگی و مسائل روان‌شناسی، مطالب بسیاری را به رشته تحریر درآورده‌اند، اما آموزه‌های وحیانی براساس هستی‌شناسی، هدف‌آفرینش، انسان‌شناسی و ارتباط انسان با نظام خلقت، به تربیت و زندگی انسان و هدفمندی رشد او توجه کرده‌اند.

این مقاله بر مبنای اندیشه‌های ناب و سیره پیامبرگونه برجسته‌ترین تربیت یافته مکتب وحی، به تبیین تربیت خانوادگی و سبک زندگی مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. **خانواده:** گروهی است متشکل از افرادی که از طریق نسب یا سبب و رضاع با یکدیگر با عنوان زن، شوهر، فرزند، پدر، مادر، خواهر و برادر در ارتباط متقابل بوده، فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی به نام خانواده زندگی می‌کنند. (گروه نویسندگان، ۱۳۹۲، ص ۱۷)

۲-۲. **سبک زندگی:** روش مشخصی که در انجام گرفتن کاری یا ساخته شدن چیزی به کار رود، راه و رسم، شیوه، قاعده و اسلوب، «سبک» نامیده می‌شود (انوری، ۱۳۸۱). مراد از سبک زندگی در این مقاله، شیوه مشخص و معین بر مبنای معیارهای دینی و اندیشه و سیره امام خمینی عجل الله تعالی فرجه است که در زندگی مؤمنان و منتظران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به کار می‌رود.

۲-۳. **منتظران:** در اندیشه متعالی امام، واژه انتظار و ویژگی منتظران، به یک مفهوم عمیق و فراتر از واژه نامه های رایج گفته می شود. در منظومه فکری امام خمینی رحمته الله علیه انتظار یعنی، مهیا بودن برای اقتدار و گسترش اسلام و منتظر کسی است که تمام تلاش خود را برای احیاء مجدد عظمت اسلام به کار می بندد (خمینی، ۱۳۷۸، صص ۱۳-۱۷).

۳. ضرورت و اهمیت

از نگاه آموزه های وحیانی، هدف نهایی آیین و رهنمودهای فردی و اجتماعی اسلام در شئون مختلف زندگی، تربیت انسان در تمام ابعاد وجودی اوست؛ زیرا نفخه ربانی و گنجینه نهفته و پاک فطرت الهی، بزرگ ترین امتیاز انسان نسبت به دیگر آفریده های الهی است. تجلی این گوهر در نهاد انسان، تنها در پرتو تعالیم وحی میسر است؛ در غیر این صورت «حیوان ضعیفی است که جز به قابلیت انسانیت امتیازی از سایر حیوانات نداشته و آن قابلیت میزان انسانیت فعلیه نیست. پس انسان، حیوانی بالفعل است در ابتدای ورود در این عالم» (خمینی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۸).

امام خمینی درباره اهمیت تربیت دینی انسان می فرماید: «مقصد عالی اسلام و همه مکتب های توحیدی این است که انسان درست بشود. این انسان اگر سرخود باشد و مهار نداشته باشد، از همه حیوانات درنده تر و مودی تر است» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۵۰۴). در بخش دیگری از بیانات خویش درباره این موضوع می فرماید: «انسان يك موجودی است که چنانچه مهار نشود و سر خود بار بیاید و يك علف هرزه ای باشد و تحت تربیت واقع نشود، هرچه بزرگ تر بشود به حسب سال و بلندپایه تر بشود به حسب مقام، آن جهات روحی تنزل می کند و آن معنویات تحت سلطه شیطان، شیطان بزرگ، که همان شیطان نفس است، واقع می شود» (خمینی، ۱۳۷۸، صص ۱۵۲-۱۵۳).

خانواده، خاستگاه تربیت و سلامت فکری، روحی و معنوی انسان بوده، رشد و تقویت بنیان های اخلاقی و تربیتی اعضای خانواده، شاکله استواری پایه های فرهنگی نظام مردم سالاری دینی جهت پیشگیری از استحاله و دگرگونی ارزش ها و تقویت معرفت دینی در راستای تربیت نسلی سرافراز و ماندگار و رسیدن به آرمان شهر مهدوی است.

۴. نقش آفرینان تربیت انسان در نظام خلقت

۴-۱. پیام وحی

به استناد بسیاری از آیات، قرآن کتاب هدایت و معلم و مربی انسان‌ها در تمام اعصار پس از نزول وحی است. این کتاب با بیان روش‌های فطری تهذیب و تربیت روح، عهده‌دار سازندگی و رشد و کمال تمام مراتب انسانیت است تا او را به مقام قرب الهی برساند. امام خمینی رحمته الله علیه در تبیین این مطلب می‌فرماید: «این کتاب شریف، چنانچه خود بدان تصریح فرموده، کتاب هدایت و راهنمای سلوک انسانیت و مربی نفوس و شفای امراض قلبیه و نوربخش سیر الی الله است» (خمینی، ۱۳۷۰، ص ۱۸۴). در بیانی دیگر با توجه به خصوصیات نهفته روحی انسان می‌فرماید: «قرآن برای همین آمده است و اسلام برای همین آمده است که تربیت کند انسان‌ها را که اگر تربیت برایشان نباشد، از همه حیوانات درنده‌تر [و] موذی‌تر است» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۴۲۳).

۴-۲. رسالت انبیای الهی

تربیت نفوس و تعلیم علوم الهی به انسان‌ها، مهم‌ترین انگیزه بعثت انبیای الهی است تا با اصلاح اخلاق و اعتقادات، این عصاره نظام هستی را به کمال لایق خلیفه الهی برساند. امام خمینی درباره این رسالت می‌فرماید: «آن راهی که انبیا داشتند همین تربیت و تهذیب بود. انبیا برای انسان آمدند، برای انسان‌سازی آمدند، هیچ کار دیگری نداشتند؛ آمدند این انسان‌ها را که در صورت انسانند و دارند بر خلاف راه می‌روند، اینها را به راه راست، به راه مستقیم هدایت کنند» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۴۹۴-۴۹۵). این رسالت مهم هدایت‌گری انبیا برای تهذیب انسان و رهایی از ظلمت نفسانی، بزرگ‌ترین منت الهی بر مردم است که آیه شریفه «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَرْكِبُهُمْ وَ يَلْمِزُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ؛ يَقِينًا خُذُوا مِنْ مَنَّا مَنْ مَنَّا مِنْ بَيْنِ أُولَئِكَ لِيُخَوِّفَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ» (سوره فرقان، آیه ۱) را می‌خواند و پاکشان می‌کند و کتاب و حکمت به آنان می‌آموزد» (آل عمران: ۱۶۴)، آن را بیان می‌کند.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در یک جمله کوتاه، هدف اصلی و سیاست راهبردی بعثت و هدایت‌گری خویش را بیان می‌کند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ من برای تکمیل و تتمیم بزرگی‌های اخلاقی برانگیخته شده‌ام» (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۳۲۸). امام خمینی رحمته الله علیه در تبیین این آیه و حدیث مذکور می‌فرماید: «بعثت، برای این است که اخلاق مردم را، نفوس مردم را، ارواح مردم را و اجسام مردم را، تمام اینها را از ظلمت‌ها نجات بدهد. ظلمات را به کلی کنار بزند و به جای او نور بنشانند، ظلمت جهل را کنار بزند و به جای او نور علم بیاورد» (خمینی، ۱۳۷۸ ص ۴۳۵).

۳-۴. نقش خانواده

خانواده، اصلی‌ترین رکن و پایه‌های شاکله فرهنگ دینی و ملی جامعه و مهم‌ترین کانونی است که شقاوت و سعادت انسان‌ها را رقم می‌زند. تربیت فرزندان در خانواده، زیربنای رشد فرهنگ و اخلاق اجتماعی است و هرچه بنیان خانواده مستحکم باشد، بالندگی، رشد و شکوفایی فرهنگی و تربیتی جامعه در تمام ابعاد و شیوه زندگی تجلی می‌یابد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «پدر باید آن‌گونه تربیت نماید که در خدمت پدر و مادر باشد و اسم خوب بر فرزندش بگذارد و در ادب و رفتار انسانی او سعی فراوان کند» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۲۲).

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «بهترین چیزی که پدر می‌تواند به فرزندش عطا کند، ادب و تربیت است». (هیشمی، ۱۴۱۵، ص ۱۵۹) بنابراین محیط خانواده، اولین کانون مهم تربیتی است که شخصیت اطفال در رابطه با اخلاق و رفتار اهل خانواده شکل می‌گیرد و چگونگی آن رابطه‌ها در عادات و حالات روانی کودک تأثیر زیادی دارد. پس می‌توان گفت که خانواده، پایه‌گذار بخش مهمی از سرنوشت انسان بوده و در تعیین سبک و خط مشی زندگی آینده، اخلاق، سلامت و عملکرد فرد در آینده نقش بزرگی بر عهده دارد. عواملی مثل شخصیت والدین، سلامت روانی و جسمانی آنها، شیوه‌های تربیتی اعمال شده در داخل خانواده، شغل و تحصیلات والدین، وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده، محل سکونت خانواده، جمعیت خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهند. افرادی که روزی به عنوان فرمانروای مقتدر و سیاست‌مدار سترگ و مدیر نیرومند و مبتکر توانا در جامعه حاضر شده و مسئولیت‌های

سنگین و خطیری را برعهده می‌گیرند، نظام خانواده و کانون گرم پدر و مادر، تربیت‌گاه نخستین آنها بوده است (گروه نویسندگان، ۱۳۹۲، ص ۵۸). امام خمینی رحمته الله علیه، تربیت صحیح فرزندان در خانواده را ضامن سعادت جامعه می‌داند؛ زیرا هویت شخصیتی انسان از نظر احساس، عواطف، رفتار و تفکر، در کانون خانواده شکل می‌گیرد و مادر نقش اول و اصلی را عهده‌دار است. ایشان خطاب به مادران می‌فرماید: «پرورش از دامن شما شروع می‌شود. دامن بانوان است که بچه‌های خوب را پرورش می‌دهد. ممکن است که یک بچه‌ای که شما خوب تربیت کنید، یک ملت را نجات بدهد. توجه داشته باشید که بچه‌ها را خوب تحویل جامعه بدهید» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۵۵۴).

۵. بنیان‌های هویت‌ساز تربیتی

۱-۱. ازدواج

امام خمینی رحمته الله علیه، درباره نقش مهم وراثت، نجابت و اصالت خانواده در رشد فکری و فرهنگی فرزندان می‌فرماید: «قبل از ازدواج در قوانین اسلام هست که چه شخصی را زن قبول کند به ازدواج، و چه زنی را مرد قبول کند برای ازدواج، اوصاف مرد، اوصاف زن، اینها مطرح هست در اسلام. در هیچ حکومتی این مطرح نیست که مرد اوصافش چه باشد، زن اوصافش چه باشد. در اسلام این مطرح است وقت ازدواج چه وقت باشد» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۵۰۴). و در جای دیگر چنین می‌فرماید: «اسلام انسان ساز است؛ می‌خواهد انسان درست کند. از قبل از اینکه شما ازدواج کنید. به زن گفته است چه مردی را انتخاب کن. به مرد گفته چه زنی را انتخاب کن؛ چه ادبی داشته باشد» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۸۱).

۲-۵. لقمه حلال

درآمد حلال در تمامی شئون زندگی به ویژه در دوران بارداری، بسیار مهم است. همان‌طور که در این حدیث شریف ذکر شده است: «السعيد سعيد في بطن أمه والشقي شقي في بطن أمه؛ خوشبخت کسی است که در شکم مادرش خوشبخت شده، و بدبخت کسی است که در شکم مادرش بدبخت شده است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۱۵۳)، علاوه بر مسائل روحی و اخلاقی، نوع رفتار و تغذیه مادر نیز در سرنوشت فرزند تأثیر بسیاری دارد. از نظر اسلام، غذایی که انسان می‌خورد، علاوه بر آثار مادی که در

جسم دارد، برحسب اینکه از راه حلال یا حرام به دست آمده باشد، آثار متفاوتی در روح و شخصیت او به جا می‌گذارد. این نوع آثار در حیطة تجربه علمی نمی‌گنجد و به همین علت انسان از آن غفلت می‌کند، اما در مکتب اسلام، امری مسلم و تردیدناپذیر است (سادات، ۱۳۷۲، ص ۶۶).

۳-۵. شیر مادر

تأکید اسلام به شیر مادر، بیشتر به دلیل تقویت بنیه جسمی و تعیین نوع تغذیه و از همه مهم‌تر مجرای انتقال خصوصیات روحی و اخلاقی مادر به فرزند است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «برای کودک چیزی بهتر از شیر مادر نیست» (صدوق، ۱۳۶۱، ص ۳۵). حضرت علی علیه السلام برای کسانی که برای فرزند خود دایه انتخاب می‌کنند، چنین سفارش می‌کند: «بنگرید که کدام زن، فرزندان را شیر می‌دهد؛ زیرا کودک با اخلاق او رشد می‌کند» (حر عاملی، ۱۳۶۷، ص ۱۸۸). روایات معصومین علیهم السلام و سیره آنان، بهترین دست‌مایه تربیت فرزندان صالح است. توصیه اسلام به مراقبت‌های ویژه در دوران بارداری، توجه به رعایت آداب و سنن دینی پس از تولد، سفارش به تغذیه کودک از شیر مادر، محبت و نوازش فرزند، هم‌بازی شدن با کودکان و رفتار عادلانه، همه و همه در همین مسیر است (یوسفیان، ۱۳۸۷، ص ۸۰). علاوه بر خصوصیات روحی مادر که هنگام شیردادن به کودک منتقل می‌شود؛ روشن است مادری که با محبت و علاقه به فرزندش شیر می‌دهد، مهر و محبت و عاطفه او به کودک منتقل شده و در نتیجه کودک شیرخوار، با عاطفه و محبت خواهد شد و سعادت جامعه در گرو عاطفه و رحم افراد اجتماع است (آقاخاتمی، ۱۳۷۰، ص ۳۴۳).

۴-۵. نقش محوری تربیتی و عاطفی مادر

اصلاح جامعه، بدون بهره‌مندی از بسترهای تربیتی آن میسر نیست. بنابراین امام خمینی، محیط خانواده و نقش آفرینی مادران در تربیت فرزند را کلید حل مشکلات تربیتی و آغاز راه خودسازی انسان می‌داند: «دامن مادرها دامن‌های است که انسان از آن باید درست بشود؛ یعنی اول مرتبه تربیت، تربیت بچه است در دامن مادر و برای اینکه علاقه بچه به مادر بیشتر از همه علایق هست و هیچ علاقه‌ای بالاتر از علاقه مادری و فرزندی نیست. بچه‌ها از مادر بهتر [مسائل] را اخذ می‌کنند» (خمینی، ۱۳۷۸،

ص ۹۰). همچنین می‌فرمود: «از دامن مادرها تربیت شروع می‌شود. اگر يك دامن‌هایی بود که دامن تربیتی بود، یعنی علاوه بر اینکه بچه را دارد بزرگ می‌کند، این را به طور تربیت انسانی، تربیت اسلامی، از اول در دامن خودش بنای بر این داشته باشد که يك بچه خوبی تحویل بدهد به جامعه، يك بچه متعهدی تحویل بدهد به جامعه» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۳۶۲). در نگاه امام خمینی رحمته‌الله علیه، ارزش و مقام والای مادران از جنبه تربیتی، هم طراز و هم شأن قرآن قرار دارد: «قرآن کریم، انسان ساز است و زن‌ها نیز انسان‌ساز. وظیفه زن‌ها، انسان‌سازی است» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۰). ایشان، نقش مادر را در خانه بسیار تعیین‌کننده دانسته و به تربیت کودکان بسیار اهمیت می‌داد. ایشان معتقد بود که تربیت فرزند از مرد بر نمی‌آید و این کار دقیقاً به زن بستگی دارد، چون عاطفه زن، بیشتر است و قوام خانواده هم بر اساس محبت و عاطفه شکل می‌گیرد.

امام راحل می‌فرماید: «این مادر که بچه در دامن او بزرگ می‌شود، بزرگ‌ترین مسئولیت را دارد و شریف‌ترین شغل را دارد. شریف‌ترین شغل در عالم، بزرگ کردن بچه است و تحویل دادن یک انسان است به جامعه. این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برای انبیاء فرستاد» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۴۶۶). زنان مسلمان و مکتبی، بچه‌داری و تربیت فرزند را وظیفه اخلاقی خود می‌دانند. برای اینکه زن در انجام بهترین وظیفه توفیق بیشتری بیابد، مشارکت شایسته مرد را می‌طلبد تا نسلی صالح تربیت کند و به جامعه تحویل دهد (یوسفیان، ۱۳۸۷، ص ۲۲). امام خمینی را باید به حق، بزرگ‌ترین احیاگر شخصیت زن در عصر حاضر خواند. با نگاهی کوتاه به سخنان ارزشمند و سیره متعالی ایشان، به راحتی می‌توان فروغ اندیشه و بزرگی و عظمت نسل حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه در احیای هویت اصیل زن مسلمان را شناخت. بخشی از دیدگاه ایشان درباره کارساز بودن نقش زنان در تربیت مردان چنین است: «زن، انسان است؛ آن هم یک انسان بزرگ. زن، مربی جامعه است. از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند. سعادت و شقاوت کشورها، بسته به وجود زن است. زن، با تربیت صحیح خودش، انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش، کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود. زن، مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد. زن‌ها، مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۳۰۰). «مادر، مهم‌ترین و بیشترین نقش را در تربیت کودک برعهده دارد. دامن

مادر، بزرگ‌ترین مدرسه‌ای است که بچه در آنجا تربیت می‌شود. آنچه که بچه از مادر می‌شنود، غیر از آن چیزی است که از معلم می‌شنود. بچه از مادر بهتر می‌شنود تا از معلم. در دامن مادر بهتر تربیت می‌شود تا در جوار پدر یا در جوار معلم. تربیت، یک وظیفه انسانی است، یک وظیفه الهی است، یک امر شریف است، انسان درست‌کردن است» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۴).

در تفکر اسلام و به تبع آن در دکتربین مهدویت، استحکام و خوشبختی هر جامعه‌ای مرهون تربیت خانوادگی افراد آن است و نقش اساسی در خانواده نیز بر عهده مادر است. مطالعه تاریخ زنان مسلمان نشان می‌دهد که آنان، محیط خانه را بسیار حساس و بااهمیت شمرده و آن را کارخانه آدم‌سازی و دانشگاه انسانیت می‌دانسته‌اند؛ بنابراین تربیت‌شدگان آنان نیز، کمال انسانی را در میدان بزرگ اجتماع به مرحله بروز می‌رسانده‌اند؛ چراکه اگر مردانی باید باشند که اساس و بنیان جامعه را بسازند، تنها مادر است که آنها را پرورش می‌دهد: «الْوَالِدُ مَطْبُوعٌ عَلَى حَبِّ أُمِّهِ؛ فرزند از نظر اخلاق، طبیعت و دیانت، ساخته شده مادر است». روایات متفاوت، هنگام معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، ایشان را فرزند حضرت زهرا علیها السلام، برترین زنان جهان یاد می‌کنند که الگو و نمونه‌الای تربیتی است. (هاشمی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۳) در سیره عملی و اندیشه متعالی امام، شخصیت عاطفی و اخلاقی مادر و همسر، نقش مهمی را در تربیت فرزندان دارد. امام خمینی رحمته الله علیه، خطاب به بانوان می‌فرماید: «این مادر که بچه در دامن او بزرگ می‌شود، بزرگ‌ترین مسئولیت را دارد؛ و شریف‌ترین شغل را دارد؛ شغل بچه‌داری. شریف‌ترین شغل در عالم، بزرگ‌کردن بچه است و تحویل دادن يك انسان است به جامعه» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۴۶۶). به همین دلیل ایشان در پاسخ به سؤال دختران و نوادگان دختر خویش درباره چگونگی رسالت مادران و زنان در منزل و هماهنگی آنها با فعالیت‌های اجتماعی بانوان فرمودند: «خانه را دست کم نگیرید، تربیت بچه‌ها کم نیست، اگر کسی بتواند یک نفر را تربیت کند، خدمت بزرگی به جامعه کرده است» (رجایی، ۱۳۸۷، ص ۳۳).

۶. مدیریت و روش‌های تربیت دینی درسبک زندگی

۶-۱. مسئولیت‌پذیری

خانواده، کانون پرورش نسل صالح است. فرزندان‌انی که محصول پیوند زن و مرد هستند. برای پرورش سالم و صالح، نیاز به یک کانون مناسب دارند و خانواده این بستر را به خوبی فراهم می‌کند. خداوند، والدین را نسبت به تربیت فرزندان مسئول دانسته و خطاب به آنان فرموده است: «یا ایها الذین آمنوا قو انفسکم و اهلیکم ناراً و قودها الناس و الحجاره» (تحریم: ۶).

پیامبر اکرم (ص)، درباره مسئولیت همگانی نسبت به یکدیگر در جامعه اسلامی در بخش تعهد و مسئولیت اعضای خانواده و والدین نسبت به فرزند می‌فرماید: «مرد، نگهبان خانواده‌اش و نسبت به رسیدگی امور زندگی خانواده مسئول است و زن، نگهبان اموال زندگی منزل همسر و مراقب تربیت فرزندان است و نسبت به رسیدگی به امور خانه و شوهرداری و تربیت فرزندان مسئول است» (ابن حزم، ۱۴۰۸، ص ۳۴۷). در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام بر کارکرد خانواده در ساحت امور دینی اشاره شده است: «حق فرزند بر تو این است که در تربیت، ادب‌آموزی و خداشناسی او مسئولیت داری. باید او را در محبت و اطاعت خدا کمک کنی و وسایل ایمان و پاکی او را فراهم سازی. عمل تو باید درباره او مانند کسی باشد که یقین دارد اگر در این راه کمترین زحمتی به خود دهد، پاداش کافی دارد و اگر کاهلی نماید، مورد مؤاخذه و مجازات قرار می‌گیرد» (صدوق، ۱۳۶۱، ص ۶۲۲).

پدر و مادر باید آگاه باشند که برای چه منظور و هدفی فرزندان خود را تربیت می‌کنند و در این رابطه به چه چیزی پایبند هستند؟ آیا دلشان می‌خواهد انسان‌هایی شرافتمند، اهل کار، خردمند و مفید برای خود و جامعه باشند؟ وفادار و متعهد به اصول انسانی باشند و در مقابل خود، خانواده و دیگران احساس مسئولیت کنند یا برعکس؟ (صادقی، ۱۳۷۰، ص ۱۶) والدین برای تربیت فرزند صالح، ابتدا باید محیط خانه را از هر نظر آماده کرده و عواملی را که ممکن است به تربیت کودکان آسیب برساند از میان بردارند. محیط خانه باید پاک باشد و والدین باید مراقب عملکرد خود در مقابل فرزندان باشند تا مبادا به دلیل رفتار نادرست آنان، آسیبی به تربیت دینی فرزندان برسد. والدین باید به فرایند زمانی



دوران تربیت توجه کامل داشته باشند؛ بدیهی است که روش و معیار تربیت در دوران کودکی با شرایط و معیارهای رفتارهای تربیتی در بزرگسالی تفاوت‌های بسیاری دارد.

امام خمینی رحمته‌الله علیه، همواره به نقش حساس والدین تأکید فراوان داشته و شقاوت و سعادت جامعه را مرهون تعهدات و مسئولیت‌پذیری پدر و مادر می‌دانستند: «شما این مسئولیت بزرگ را دارید که باید بچه‌های خودتان را که نوزاد هستند و نفوسشان... تربیت را زود قبول می‌کند، خوب و بد را زود قبول می‌کند، شما از اول که این بچه‌ها در دامن شما بزرگ می‌شوند، مسئول افعال و اعمال آنها هم شما هستید. همان طوری که اگر يك بچه خوب تربیت کنید، ممکن است که سعادت يك ملت را همان يك بچه تأمین کند، اگر يك بچه بد هم، خدای نخواست، در دامن شما بزرگ بشود، ممکن است که يك فساد در جامعه پیدا بشود. گمان نکنید که يك بچه است؛ يك بچه گاهی وقت‌ها در جامعه، وقتی که وارد شد، در رأس جامعه واقع می‌شود و محتمل است که بچه يك فقیر، يك وقت در رأس جامعه واقع بشود. اگر این بچه‌ای که شما تربیت کردید يك تربیت صحیح باشد و آن وقت آن بچه در رأس جامعه واقع بشود، يك ملت را سعادت‌مند می‌کند؛ و آن شرفش مال شماست؛ یعنی شما این سعادت را برای يك ملت بیمه کردید و اگر خدای نخواست به عکس باشد؛ يك بچه‌ای در [دامن] مادر تربیتش تربیت اسلامی نباشد، تربیت انسانی نباشد، انحراف داشته باشد، این ممکن است که بعدها يك جامعه را به فساد بکشد. خیال نکنید يك آدم است. گاهی يك آدم، يك ده را خراب می‌کند؛ گاهی يك آدم يك شهرستان را خراب می‌کند؛ گاهی يك مملکت را خراب می‌کند». (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۳-۲۷۴)

۲-۶. هماهنگی و هم‌فکری تربیتی

آموزه‌های دینی، آرامش روحی زن و مرد در زندگی را دستاورد پیوند زناشویی و تشکیل خانواده می‌داند. این آرامش، بهترین دست‌مایه تعامل و هم‌گرایی والدین بر اجرای روش صحیح تربیت فرزندان به شمار می‌آید. آنچه یک زن نمونه را در ایفای وظایف خود در خانه و خانواده موفق می‌کند، به‌کارگیری اصول و شیوه‌های مدیریت اسلامی در شوهرداری، خانه‌داری و تربیت فرزند است. از این رو، موفقیت مرد در مدیریت خانواده نیز تا حد زیادی به معاونت و همکاری زن وابسته است. مرد قوام و سرپرست خانواده

است و موظف است برای اداره زندگی برنامه‌ریزی کند. زن نیز در این مسئولیت معاون و همکار مرد است. از این رونقش زن در مدیریت خانه و خانواده، اگر بیشتر از مرد نباشد، کم‌تر نیست. تعامل، همکاری و هماهنگی بین پدر و مادر در تحقق روش‌های تربیتی ضروری است. امام خمینی رحمته‌الله علیه و همسر مکرماهش در دوران زندگی خویش در تربیت فرزندان هماهنگی کامل را داشتند. بخش تربیت دینی و انجام فرایض فرزندان بر عهده امام و دیگر مسائل خانوادگی بر عهده همسرش بود. برخی اوقات ایشان، زمان مطالعه علمی خود را در سحرگاهان و قبل از تهجد خود قرار داده بود تا در کمک به امور زندگی، همگام با همسر خود به تربیت فرزندان بپردازد (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۵۶).

۳-۶. صداقت و صمیمیت

رابطه صمیمی و ابراز محبت به فرزندان در خانواده، در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی و تقویت بنیه روحی کودکان تأثیر بسزایی دارد. همان‌طور که در سیره پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله نیز آمده است: «التَلَطُّفُ بِالصَّبِيَانِ مِنْ عَادَةِ الرَّسُولِ؛ مهربانی درباره کودکان، راه و رسم پیامبر بود» (فیض کاشانی، ۱۳۶۱، ص ۳۶۶). پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «در نزد هر کسی که کودکی باشد، باید با او کودکانه رفتار کند» (حر عاملی، ۱۳۶۷، ص ۲۰۳). امام رحمته‌الله علیه، بر این باور بود که والدین باید با فرزندان خویش با صمیمیت و صداقانه و بدون هرگونه تکلف رفتار کرده و همواره به فرزندانش سفارش می‌کرد که با کودکانان درست رفتار کنید تا آنها صحیح تربیت شوند و همواره تأکید داشتند که هرگاه سخنی را به فرزندان خود گفتید حتماً به آن عمل کنید (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۲۵۵-۲۵۶).

۴-۶. آمیختگی قاطعیت و محبت

در محیط خانواده به همان اندازه که وجود مهر و صفا لازم و حیاتی است، قاطعیت، جدیت و مدیریت نیز ضروری است. خانواده، سازمان کوچکی است که همچون هر سازمان دیگری نیاز به مدیریت دارد و اگر مدیریت در آن ضعیف باشد، نارسایی‌های فراوان به بار می‌آید. البته قاطعیت را نباید با خشونت اشتباه گرفت. به همان اندازه که خشونت ناشی از ضعف روحی و اخلاقی است، قاطعیت، جدیت و داشتن قدرت تصمیم‌گیری ناشی از قدرت روحی و امتیازات اخلاقی است که اگر با عواملی مانند

نرم خویی، صمیمیت، سعه صدر و روشن بینی همراه شود، آثاری بسیار مفید و سازنده در تربیت برجای می‌گذارد (سادات، ۱۳۷۲، ص ۵۵-۵۴). امام رحمته‌الله علیه در برابر تخلفات فرزندان کوچک خود، بیشتر با تذکر لفظی واکنش نشان می‌داد؛ البته ایشان هیچگاه حتی در اوج عصبانیت، به فرزندان خود بی‌احترامی نکرده و فقط خطاب به آنها می‌فرمود: «مگر به شما نگفتم این کار را نکنید؟ چرا کردید؟» و فرزندان هم می‌گفتند «آقا ببخشید». اگر چنانچه در برخی مواقع تنبیه از این مرحله فراتر می‌رفت، در شبانگاه با خرید نقل یا شیرینی از فرزند خود دلجویی می‌کرد تا توبیخ و تذکرات تنبیهی را با عطوفت و مهربانی آمیخته باشد (ر.ک.، خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۵-۱۷۶).

۵-۶. عدالت در رفتار و ابراز محبت

پیامبر صلی‌الله علیه و آله می‌فرماید: «(اعِدُّوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ؛ میان فرزندانتان به عدالت رفتار کنید» (طبرسی، ۱۳۹۲، ص ۲۲۰). امام آنچنان به فرزندان و نوادگان خویش اظهار علاقه و محبت می‌کرد که هرکدام از فرزندان و نوادگان چنین تصور داشتند که نزد امام نسبت به دیگران محبوب‌ترند و هیچ‌کدام نتوانستند کشف کنند که امام کدام یک از آنان را بیشتر دوست دارد؛ البته فرزندان و نوادگان دختر، بیشتر از پسران مورد لطف و محبت امام قرار داشتند (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۱۴۱).

۶-۶. انجام فرایض دینی

در بین فرایض دینی، امام به برپایی نماز اول وقت اهمیت بسیاری می‌داد و همواره فرزندان و نوادگان را به انجام فرایض در وقت شرعی سفارش می‌کرد. عملکرد عبادی امام آنچنان بود که فرزندان و نوادگان، به انجام فرایض دینی علاقه‌مند می‌شدند. ایشان بر این باور است که والدین باید به شایستگی و مهربانی، کودک را از هفت سالگی به نماز آشنا کنند تا وقتی به سن بلوغ و تکلیف رسیدند، انجام فرایض دینی برای آنان مشکل نباشد. امام خمینی رحمته‌الله علیه، با فرارسیدن سن تکلیف فرزندان خود بر چگونگی انجام امور عبادی آنان بیشتر نظارت داشت و به خواندن نماز اول وقت فرزندان بسیار سفارش می‌کردند (رجایی، ۱۳۸۷، ص ۳۰-۲۹). نوه امام می‌گوید: «من هر موقع پیش امام می‌رفتم، مرا تشویق به خواندن نماز می‌کردند» (رجایی، ۱۳۸۷، ص ۲۹).

همسر امام می‌گوید: «از هفت سالگی در تربیت دینی دقت داشتند؛ یعنی می‌گفتند از هفت سالگی نماز بخوان. می‌گفتند اینها (بچه‌ها) را وادار به نماز کن تا وقتی نُه ساله شدند، عادت کرده باشند. من به ایشان می‌گفتم تربیت‌های دیگرشان با من، نمازشان با شما، شما بگو، من که می‌گویم گوش نمی‌کنند. خودشان مقید بودند و می‌پرسیدند، اما همین که بچه‌ها می‌گفتند نماز خوانده‌ام، قبول می‌کردند و کنجکاو نمی‌کردند». (رجایی، ۱۳۸۷، ص ۴۲) یکی از دختران امام در خاطرات خود چنین می‌گوید: «امام، مقید بودند که ما از بچگی حجاب شرعی مان را حفظ کنیم. در منزل حق انجام هیچ‌گونه معاصی، از جمله غیبت، دروغ، بی‌احترامی به بزرگ‌ترها و توهین به مسلمانان را نداشتیم. به ویژه روی معاصی و توهین به مسلمان حساسیت زیادی داشتند. ضمناً ایشان همیشه تأکید می‌کردند که بندگان خدا هیچ امتیازی، جز از نظر تقوا و پرهیزکاری بر هم ندارند و این مسئله را از بچگی به ما گوشزد می‌کردند. ایشان همیشه می‌گفتند که بین شما و کارگری که در منزل کار می‌کند، هیچ فرقی نیست» (رجایی، ۱۳۸۷، ص ۴۵).

۶-۷. اهتمام به رعایت آداب شرعی

امام از همان آغاز زندگی، رعایت مقررات شرعی و آداب دینی را با همسر خود مطرح کرد و او را در نوع پوشش و سایر امور منزل آزاد گذاشت و به ایشا فرمود: «از تو می‌خواهم که واجبات را انجام دهی و محرّمات را ترک نمایی». هنگامی که دو دختر نوجوان امام بدون هماهنگی و اطلاع والدین به منزل همسایه رفته بودند، ایشان برای اینکه یک کارگر نوجوان در آن منزل به کار مشغول بود به فرزندانش اعتراض کرد. امام رحمته‌الله علیه، گفت وگویی افراد نامحرم از بستگان نزدیک در منزل با یکدیگر را در حد ضرورت جایز می‌دانست، ولی از اینکه زن و مرد و پسر و دختر نامحرم بی‌جهت دور هم نشستند و با یکدیگر صحبت کنند مخالفت می‌کرد. از این رو، هرگاه همه افراد و بستگان امام (فرزندان و نوادگان، عروس و دامادها) در منزل جمع می‌شدند، سفره پسران جوان و مردها از سفره دختران جوان و زن‌ها کاملاً مجزا بود.

امام رحمته الله علیه، دختران جوان را بیشتر به رعایت آداب و اخلاق اسلامی دعوت می‌کرد و به آنان سفارش می‌کرد تا خود را بیشتر از دیگران از نامحرم بیوشانند. ایشان هنگامی که به فرزندان و نوادگان عطر هدیه می‌کرد، به دختران جوانی که هنوز ازدواج نکرده‌اند به دلیل پیشگیری از استفاده عطر در بیرون منزل، به آنها عطر هدیه نمی‌داد. هرگاه یکی از بانوان فامیل به تنهایی برای دیدار یا انجام کاری در اتاق امام حاضر می‌شد، ایشان اجازه نمی‌داد همزمان با او یک پسر جوان نامحرم از بستگان در اتاقش حضور یابد (خمینی، ۱۳۷۸، صص ۵۰، ۵۲، ۱۷۹، ۱۸۰، ۲۵۶، ۳۳۱).

۸-۶. تشویق به تحصیل

امام خمینی رحمته الله علیه همواره محیط منزل را برای مطالعه و تحصیل فرزندان مهیا می‌کرد و تمام فرزندان و نوادگانش را در انتخاب رشته تحصیلی آزاد می‌گذاشت و فقط آنها را به فراگیری علم و دانش تشویق کرده و می‌فرمود: «درس بخوانید تا وقتی بزرگ شدید، بتوانید به جامعه‌تان خدمت کنید». اگر مقطع تحصیلی فرزندان و نوادگان به پایان می‌رسید به آنان می‌فرمود: «وقت آن است که به مردم خدمت کنید». از این رو، بیشتر فرزندان و نوادگان امام، دارای تحصیلات عالی حوزه و دانشگاه هستند. (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۲۵۰) یکی از بستگان امام می‌گوید: «از مسائلی که آقا برای آن اهمیت قائل بودند، درس و تحصیل بچه‌ها بود و به هیچ وجه نمی‌پسندیدند که بچه‌ها در طول سال تحصیلی وقت خود را به بازی گوشی و بطالت بگذرانند». ایشان همیشه وضعیت درسی نوه‌ها و نتیجه‌های خود را جویا می‌شدند (رجایی، ۱۳۸۷، ص ۳۰-۲۹).

امام رحمته الله علیه، به نقش مادر در تربیت فرزندان به ویژه در دوران کودکی بسیار حساس بودند. ایشان به تربیت فرزندان در مراحل نوجوانی و رشد فرزندان بسیار توجه داشته و حتی فرزندان پسر ایشان در کلاس‌های درس امام رحمته الله علیه شرکت می‌کردند. ایشان هیچ‌گاه مانع تحصیل دخترانشان نشده و آنها را به تحصیل تشویق می‌کردند. (رجایی، ۱۳۸۷، ص ۳۳) یکی از نوادگان امام خمینی رحمته الله علیه می‌گوید: «یک روز که وارد اتاق امام شدم به من فرمودند که درست را خوب می‌خوانی؟ گفتم: بله. ایشان فرمودند: "خوب کاری می‌کنی، چون اگر می‌خواهی وقتی بزرگ شدی کار خوب و زندگی خوبی داشته

باشی باید درست را خوب بخوانی. همین طور اگر می‌خواهی در جهان آخرت خوب زندگی کنی باید درس بخوانی و چیزهایی را که یاد نگرفته‌ای یاد بگیری و به آن عمل کنی". وقتی نمرات درسی‌ام را به امام نشان می‌دادم و ایشان از نمرات درسی من آگاه می‌شدند؛ می‌گفتند: "سعی کن از این بهتر در درس هایت نمره بیاوری تا در آینده بتوانی زندگی بهتری داشته باشی" (رجایی، ۱۳۸۷، ص ۶۲-۶۱).

۶-۹. رعایت الگوی مصرف

یکی از نکات مهم و درس آموز زندگی امام خمینی رحمته‌الله علیه، مراقبت بر امرار معاش و هزینه‌های زندگی ایشان است. ایشان به همسر، فرزندان و اعضای دفترش تفهیم کرده بود که باید در خرید و مصرف اجناس و مواد غذایی بسیار دقت کنند؛ چون صورت حساب هزینه‌های جاری منزل را خودشان دریافت و بررسی می‌کرد و مراقب بود که پول‌ها چگونه و در چه چیزی هزینه می‌شود. برای مثال در موردی که هزینه تعمیرات منزل یکی از دختران امام و نیز تعمیر ماشین یکی از اعضای دفتر از پول‌های متعلق به منزل امام انجام شده بود، امام پس از دیدن صورت حساب، بلافاصله دستور داد تا هزینه تعمیرات از خود اشخاص اخذ شود و تأکید کرد که دیگر این‌گونه امور تکرار نشود. ایشان با خرید بیش از نیاز مواد غذایی و ذخیره سازی آن مخالفت می‌کرد و در چند مورد، مسئول خرید را مورد مؤاخذه قرار داد. اگر در منزل، غذا بیش از نیاز مصرف تهیه می‌شد، تذکر می‌داد. هرگاه در منزل چراغ اضافی روشن بود، خودش آن را خاموش می‌کرد و چنانچه در روز لامپ ساختمان دفترش را روشن می‌دید، بلافاصله به اعضای دفتر تذکر می‌داد.

هرگاه برای تطهیر و تجدید وضو از اتاق خارج می‌شد، رادیو و تلویزیون را خاموش کرده و بعد از انجام کار دوباره روشن می‌کرد. هنگام وضو گرفتن، در فاصله اعمال وضو، برای جلوگیری از اسراف، شیر آب را می‌بست. از این رو همسر و فرزندان امام به این نکته پی برده بودند که باید اصول الگوی مصرف در زندگی امام را رعایت کنند و به مقدار نیاز از امکانات بهره‌برداری کنند (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۶۷، ۷۹، ۱۵۸-۱۴).

۶-۱۰. ازدواج فرزندان

اصالت و نجابت خانوادگی، هم‌سطح بودن خانواده عروس و داماد و نیز هم‌فکر و کفو بودن دختر و پسر، ملاک و معیار اصلی امام خمینی رحمته‌الله علیه برای ازدواج بود. ایشان در دوران جوانی خود نیز مقید بود که با خانواده‌ای وصلت نماید که از نظر فرهنگ، اخلاق و رفتار در یک سطح باشند؛ بنابراین، نکات زیر را در مورد ازدواج فرزندان در نظر می‌گرفتند:

اول) خانواده‌ها باید هم‌مسلك باشد، سنخیت داشته و مؤمن و متعهد باشد.

دوم) تحقیق در شناخت دقیق خانواده از نظر اخلاق، ایمان و تقوی و رعایت ضوابط اسلامی.

سوم) مشورت با فرزندان برای کسب نظر نهایی. در این مرحله در صورتی که امام رحمته‌الله علیه، داماد را به هر دلیلی می‌پسندید و یا اینکه او را با شرایط خانواده و فرزندان خویش مناسب نمی‌دانست، موضوع را با دختران خود در میان می‌گذاشت، امتیازات یا نقاط ضعف را بیان می‌کرد، اما در نهایت دختران تصمیم می‌گرفتند. البته فرزندان ایشان هم به تشخیص پدرشان در قبول یا رد افراد اعتماد داشته و آن را می‌پذیرفتند.

چهارم) در برخی موارد، امام برای انتخاب داماد استخاره می‌کرد، اما نه به این شیوه که قرآن را باز کنند اگر خوب آمد قبول کرده و اگر بد آمد رد کنند. در مورد یکی از دخترانش ابتدا وضو گرفته، سپس دو رکعت نماز خوانده و بعد از خدا برای او طلب خیر کرد. یعنی، ابتدا تمام تلاش‌ها را برای شناسایی و تفاهم لازم انجام می‌داد و در نهایت از خدا طلب خیر می‌کرد.

پنجم) مقید بودند که دختر باید در حد معمول و متعارف مهریه داشته باشد و اگر افرادی که برای اجرای صیغه عقد به امام مراجعه می‌کردند مهریه‌شان تنها یک جلد کلام الله مجید بود ایشان قبول نمی‌کرد و خطبه عقد نمی‌خواند و در تعیین مهریه به عرف جامعه و شرایط خانواده توجه داشت؛ البته با تعیین مهریه‌های سنگین مخالف بود.

ششم) نظر امام این بود که مقدار جهیزیه در آغاز زندگی مشترک عروس و داماد، به اندازه ضرورت و رفع حاجت بوده و برای دختران خود نیز به همین صورت عمل می‌کرد و به مقدار رسم آن زمان جهیزیه تهیه کرد.

هفتم) ایشان هیچ‌گاه در مسائل خانوادگی فرزندان که ازدواج کرده و زندگی مستقل تشکیل داده بودند، به ویژه دختران دخالت نمی‌کرد.

هشتم) ایشان در مراسم عقد، وکیل عروس می‌شد و پس از جاری شدن خطبه عقد می‌فرمود: «سعی کنید با هم رفیق باشید. اگر مرد هستی و در بیرون خانه هزاران مسئله داری، وقتی به خانه می‌آیی ناراحتی‌هایت را پشت در منزل بگذار و با لطف و مهربانی به منزل وارد شو». همچنین به عروس هم توصیه می‌کرد «تو هم ممکن است در خانه خیلی کار کرده و خسته باشی، ولی نباید خستگی خود را به شوهرت منتقل کنی، به استقبالش برو و زندگی گرمی را برای خودتان درست کنید».

نهم) ایشان به پسران و نوه‌هایشان القا نموده بود که از زنانشان انتظار کار نداشته باشند و اگر همسرانشان در منزل کاری انجام می‌دهند از روی علاقه و محبت به زندگی است و از سوی دیگر به دخترها نیز توصیه می‌کرد که کارهای منزل را انجام دهند و به این صورت تفاهم و تعامل را در آغاز راه زندگی زوج جوان نهادینه می‌کرد. (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۴-۱۴۵).

۱۱-۶. الگودهی

تجربه ثابت کرده است که آموزش یا تبیین مسائل تربیتی و اخلاقی با معرفی مصداق و الگوهایی که صفات اخلاقی در آنها تجلی یافته است، فرزندان را از دایره مفهوم‌گرایی ذهنی، نظریه‌پردازی و تئوری‌سازی رها کرده و در مخاطب و اعضای خانواده انگیزه ایجاد می‌کند تا خود را با الگوها هم‌سطح کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ؛ کسی که خود را راهرو و راهنمای جامعه قرار دهد، باید قبل از تعلیم و تربیت دیگران در تعلیم و تربیت خویش بکوشد» (نهج البلاغه، ۶، ۱۳۷۹، ۱۱۱۷). نصیحت‌های امام خمینی رحمته الله علیه فقط در قالب گفتار بیان نمی‌شد، بلکه رفتار و عمل ایشان مهم‌ترین الگو برای دیگران بود. ایشان حتی خطاها و اشتباهات افراد

را هم، زبانی تذکر نمی داد، بلکه نارضایتی خود را ابراز می داشتند که این برای اطرافیان بسیار مؤثر بود (رجایی، ۱۳۸۷، ص ۲۴). یکی از فرزندان امام رحمته الله علیه درباره رفتار پدرشان با آنان چنین می گوید: «امام، همیشه مقید بودند که ما دستورات خدا را انجام بدهیم، تا بتوانیم از معاصی دور باشیم. کارهای دینی به ما دیکته نمی شد. در خانواده وقتی ما رفتار امام را می دیدیم، خود به خود در ما تأثیر می گذاشت» (رجایی، ۱۳۸۷، ص ۴۵). امام خمینی رحمته الله علیه درباره نقش الگودهی رفتار مادر می فرمود: «بچه وقتی در دامن مادرش هست، می بیند مادر اخلاق خوش دارد، اعمال صحیح دارد، گفتار خوش دارد، این بچه از همان جا اعمالش و گفتارش به تقلید از مادر، که از همه تقلیدها بالاتر است و به تزریق مادر، که از همه تزریق ها مؤثرتر است. تربیت می شود» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۴).

۷. آسیب شناسی تربیتی و سبک زندگی

۱-۷. آسیب های درونی

آسیب هایی که از محیط خانواده، بنیان های تربیتی فرزند را تخریب می کند و عبارتند از:

۱-۱-۷. عدم آشنایی به روش های تربیت

بسیاری از نابسامانی های روانی و اخلاقی انسان، ناشی از تربیت نادرست او در دوران کودکی است. بنابراین، اگر خانواده با اصول و روش های صحیح تربیت کودک آشنا باشد و آنها را به کار بندد، در دوره نوجوانی با مشکلات کمتری روبه رو خواهد شد. از اینجا می توان دریافت که آموزش خانواده ها و آشنا کردن آنها با روش های صحیح تربیتی، تا چه اندازه در تأمین سعادت فردی و اجتماعی افراد جامعه مؤثر است. امام صادق علیه السلام می فرمود: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةً السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا؛ هر کس بدون علم و آگاهی عمل کند، مانند کسی است که به بیراهه می رود؛ هر چند شتاب کند، از هدف دورتر می شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۳۸۸، ۴۳/۱ و ۵۴).

۲-۱-۷. بی توجهی به شرایط و نیازهای زمان

عدم درک نیازها و شرایط زمان و مکان و توجه به واقعیت های متفاوت زندگی انسان ها، یکی از مشکلات فراروی والدین در تربیت فرزندان است. حضرت علی علیه السلام درباره آشنایی به آداب در تربیت

می‌فرماید: «فرزندان خود را به آداب و روش‌های خودتان مجبور نسازید؛ زیرا آنان برای زمانی که غیر از زمان شماست آفریده شده‌اند» (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ص ۲۶۷). اصلی‌ترین مسأله تربیت، شیوه برقراری رابطه فکری و عاطفی با نوجوانان است و آن نیز در گرو آشنایی با اسرار و رموزی است که اگر پدر و مادر یا مربی با این اسرار و رموز آشنا نباشند، نمی‌توانند به عالم نوجوانان راه پیدا کرده و پیوند فکری و روحی با او برقرار کنند. بعد از برقراری این ارتباط، پدر و مادر بهتر می‌توانند نقش تربیتی خود را اعمال کنند، اما اگر چنین ارتباطی برقرار نشود، تلاش‌های آنان غالباً به نتیجه مطلوب نرسیده و گاه نتیجه معکوس می‌دهد. متأسفانه بسیاری از خانواده‌ها به علت بی‌توجهی به شیوه برقراری ارتباط، فرزندان خود را به سادگی از دست می‌دهند.

۱-۳-۷. کمبود محبت عاطفی به دلیل اشتغال والدین

حضور دائم و تمام‌وقت روزانه فرزند در مهد کودک یا انتقال آنان به پرورشگاه‌ها و دوری از کانون گرم و محبت‌آمیز خانواده، علت بسیاری از بزهکاری‌های اجتماعی است. امام خمینی رحمته‌الله علیه درباره اثرات تخریبی کمبود محبت مادری در جامعه می‌گوید: «وقتی بچه در پرورشگاه و بدون مادر با اجنبی بخواهد سر و کار داشته باشد و محبت مادر از سر او کم بشود، این بچه عقده پیدا می‌کند. بسیاری از این مفسده‌هایی که در جامعه واقع می‌شود، از این بچه‌هایی هستند که عقده دارند؛ از این انسان‌هایی هستند که عقده دارند. مبدأ يك عقده بزرگ، این جدا کردن بچه از مادر است. [کودک] محبت مادری لازم دارد» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۹۱).

۱-۴-۷. انحراف فکری و عقیدتی والدین

خلقت انسان در نظام آفرینش، بر مدار فطرت سالم و پاک قرار دارد. مسائل تربیتی و آموزشی، عامل تغییر رفتار و پرده‌پوشی بر فطرت‌های الهی است. همان‌طور که پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله علیه و آله می‌فرماید: «کل مولد یولد علی فطرة حتى یكون أبواه یهودانه و ینصرانه و یمجسانه؛ هر زاده شده‌ای بر فطرت توحید زاده است، پس والدین، او را یهودی یا نصرانی یا مجوس گردانند» (احسائی، ۱۴۰۳، ص ۳۵).

۲-۷. آسیب‌های اجتماعی

وضعیت محیط تحصیل، رفتار و فکر، هم‌کلاسی‌ها، دوستان و همراهان، از دیگر عوامل تهدید و آسیب سبک زندگی و تربیت فرزندان است. بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که در دوره نوجوانی، تأثیرپذیری نوجوانان از همسالان، بیشتر از هر فرد دیگری مانند خانواده و معلم است. به همین دلیل، خطر دوستی‌های نامناسب در این دوران بسیار بیشتر و آثار و عواقبش خطرناک‌تر است؛ برای همین، کنترل و نظارت والدین و مربیان، اهمیت ویژه دارد. والدین باید مراقب باشند که فرزندان نوجوان آنها با چه کسانی دوست می‌شوند. (سادات، ۱۳۷۲، ص ۱۱) امام رحمته‌الله علیه در تحصیل و تربیت فرزندان بسیار دقت داشت و تا حد مقدور، مراقب رفت و آمد فرزندان با دوستان و هم‌کلاسی‌هایشان بود تا بدانند که آنها با چه کسانی ارتباط برقرار می‌کنند. هنگامی که حاج احمد آقا به تحصیل اشتغال داشت، امام رحمته‌الله علیه او را کنترل می‌کرد که دوستانش چه کسانی هستند. درباره نوادگان نیز هنگامی که به سن تکلیف می‌رسیدند به تعلیم و تربیتشان حساس بوده و از فرزندان خود می‌پرسیدند: «آیا شما می‌دانید بچه‌تان کی از خانه بیرون می‌رود و چه وقت باز می‌گردد؟ با چه کسانی رفت و آمد می‌کند و یا چه صحبت‌هایی می‌کند؟» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۹-۱۵۹).

امام رحمته‌الله علیه، در پیام خود به مناسبت آغاز سال تحصیلی سال ۶۱ به دلیل تحرک فرهنگی گروهک‌های مخالف نظام میان دانش‌آموزان، به والدین توصیه می‌کند تا از رفت و آمدهای فرزندانشان به خوبی مراقبت کرده و با مربیان مدارس در این امور تعامل داشته باشند: «مادران و پدران متعهد، از رفت و آمدهای فرزندانشان سخت مراقبت نمایند و آنان را زیر نظر بگیرند و وضع درسی آنان را دنبال کنند؛ چرا که نقش مادران و پدران در حفظ فرزندانشان در سنین دبستان و دبیرستان بسیار مهم و ارزشمند است. باید توجه داشته باشند که فرزندانشان در سنینی هستند که با يك شعار گمراه‌کننده، فریب می‌خورند و خدای ناکرده به راهی قدم می‌گذارند که جلوگیری از آن از هیچ کس ساخته نیست. مادران و پدران توجه داشته باشند که آنان از همه کس مؤثرتر برای نجات فرزندانشان از گرداب جهل و فساد می‌باشند. به همین دلیل، دلسوزانه و متعهدانه با اساتید فرزندانشان در تماس بوده و آنان را در این مهم یاری دهند و از آنان یاری گیرند» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۴-۵).

۷-۳. تهدیدات بیرونی (تهاجم گسترده فرهنگی دشمن)

تحركات پيچيده و مرموز و گسترده فرهنگي تبليغي دشمنان در رويارويي با فرهنگ اسلام ناب در گستره جهان اسلام و خاورميانه، بزرگ‌ترين تهديد فرهنگي به شمار مي‌آيد. امام خميني رحمته الله عليه در يك تحليل عميق، سردمداران استكبار جهاني را عامل اصلي انحطاط اخلاقي جهان معرفي مي‌كند كه با بهره‌گيري از ابزارها و تكنيك‌هاي تبليغي، ارزش‌هاي ديني را هدف قرار مي‌دهند: «آن چيزي كه دارد اين سياره ما را در سراشيبی انحطاط قرار مي‌دهد، انحراف اخلاقي است. اگر انحراف اخلاقي نباشد، هيچ يك از اين سلاح‌هاي جنگي به حال بشر ضرر ندارد. آن چيزي كه دارد اين انسان‌ها را و اين كشورها را رو به هلاكت و رو به انحطاط مي‌كشاند، اين انحطاط‌هايي است كه در سران كشورها و در دست‌اندركارهاي اين حكومت‌ها، از انحطاط اخلاقي، دارد تحقق پيدا مي‌كند و همه بشر را دارد سوق مي‌دهد به سراشيب انحطاط و نمي‌دانيم كه عاقبت امر اين بشر چه خواهد شد» (خميني، ۱۳۷۸، ص ۱۶۱). امام خميني رحمته الله عليه براي احياي ارزش‌هاي انساني، جهاد فرهنگي را تنها راه كار مقابله با اين تهاجم شيطاني مي‌داند: «ما در عصري واقع شده‌ايم كه ظلمت دنيا را گرفته است. ما در عصري واقع شده‌ايم كه ارزش‌هاي انساني به كلي از بين رفته و به جاي آن ارزش‌هاي غير انساني و شيطاني نشسته است. ما در عصري واقع هستيم كه شياطين عالم هجوم به انسان‌ها و ارزش‌هاي انساني آورده‌اند و مي‌خواهند كه دنيا را به سلطه شيطان درآورند. ما در اين عصر با اتكا به خدای تبارك و تعالی و استمداد از اسلام و قرآن كريم و ولي عصر عليه السلام بايد خودمان كوشش كنيم و خودمان جهاد كنيم» (خميني، ۱۳۷۸، ص ۴۱۰).

۷-۴. نمونه‌های عینی تهدیدات تربیتی در جامعه

تهدیدات و آسیب‌هایی که در دو دهه اخیر به صورت چشم‌گیری در جامعه اسلامی رشد یافته را می‌توان در چهار محور اساسی دسته‌بندی کرد.

۷-۴-۱. تهاجم فرهنگی و جنگ نرم: افول نسبی ارزش‌های اسلامی در نسل جدید و کم‌رنگ شدن

فضایل و کمالات اخلاقی در دهه اخیر، دغدغه‌ای است که نمی‌توان از دیده پنهان داشت.

۷-۴-۲. جایگزینی ضد ارزش‌ها به جای ارزش‌ها: استحاله تدریجی در معیارهای ارزش‌گذاری در کارکرد و رفتارهای فردی و اجتماعی یا به تعبیری تخطئه ارزش‌های اسلام و انقلاب اسلامی در حوزه تشکیل خانواده و تربیت فرزندان.

۷-۴-۳. طوفان سهمگین امواج گسترده ماهواره‌ها و فضای مجازی: سایت‌های اینترنتی و سیل ویرانگر شبهات دینی، ترویج اباحه‌گری و رشد قارچ‌گونه عرفان‌های ساختگی و صوفی‌گری، شعارهای بی‌محتوا در عرصه فرهنگی و اقتصاد و اجتماع، تجمل‌گرایی و خرافه، سطحی‌نگری به مبانی فرهنگی و اعتقادی اسلام و نظام اسلامی از نمونه‌های دیگر این آسیب‌هاست.

۷-۴-۴. بزهکاری‌های اجتماعی (ارتباطات نامشروع)، فساد اخلاقی و اعتیاد به انواع مواد مخدر که امروزه دامن‌گیر جامعه شده و قصد دشمنان از ترویج این‌گونه فسادها تخریب بنیان‌های مستحکم خانواده است.

۸. نتیجه‌گیری

امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، قبل از اینکه سیاست‌مداری انقلابی، فقیهی برجسته و رهبری حکیم و قاطع باشد، یک مربی و استاد تربیتی منحصربه‌فرد است که هم خویش را براساس آموزه‌ها و معرفت ناب دینی مهذب ساخت و هم در تدریس علوم عقلی و نقلی و رهبری انقلاب اسلامی و بنیان‌گذاری نظام دینی نسلی رها شده از دام‌های شیاطین قرن را تربیت کرد که قالب تنگ آرزوهای پست مادی دنیا را در هم شکسته و به فراخنای عالم اخلاق و معنویت راه یافتند. در اندیشه ایشان، بحث مهدویت با مسائل بنیادین و راهبردی نظام اسلامی پیوند خورده است. بنابراین، یکی از مباحث مهم در تحلیل انتظار و مهدویت، تربیت یاران حضرت است و پایه اجرای این ایده به سبک زندگی و شیوه تربیتی خانواده بستگی دارد. امام رحمته‌الله‌علیه پایان مسیر رودخانه خروشان انقلاب اسلامی را ورود به اقیانوس بیکران حکومت مهدوی می‌داند و مجموعه نظام اسلامی را امانتی الهی معرفی می‌کند که باید به صاحب اصلی آن تقدیم شود. یکی از وظایف منتظران، خودسازی و اصلاح جامعه است و این مهم جز با پایه‌گذاری صحیح سبک زندگی دینی در خانواده میسر نمی‌شود، چون والدین، نقش اول را در تربیت

نسل جدید برعهده دارند و رسالت آنها تربیت نسلی است که با شکفتن گل‌های فضیلت و کمال انسانی، پایه‌گذار تمدن نوین اسلام بوده و تمام صفات و خصوصیات یاران مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف در این نسل تجلی یابد.

حفظ هویت دینی، اخلاقی نسل امروز با تقویت بنیان فرهنگی خانواده و تبلور رسالت مدیریتی، عاطفی و تربیتی والدین صورت می‌پذیرد. ظهور نسل جدید انقلاب اسلامی که بخش اصلی جمعیت جوانان نظام مردم‌سالاری دینی به‌شمار می‌آیند، ایران اسلامی را به رتبه جوان‌ترین جمعیت کشورهای دنیا ارتقا داده و زمینه‌های توسعه و پیشرفت آماده است. بنابراین، اگر هم‌زمان با توسعه و پیشرفت سیاسی اقتصادی و دفاعی، جایگاه مهم و رفیع و کارساز تربیت دینی خانواده و سبک زندگی مورد غفلت قرار گیرد، در حقیقت توسعه و پیشرفت مبتنی بر مبانی دینی نظام اسلامی صورت نمی‌پذیرد، بلکه تمدن صنعتی غربی با قالب فکری و فرهنگی صادراتی خود جایگزین ارزش‌های دینی در خانواده و جامعه می‌گردد. بنابراین، در طراحی نظام مهندسی فرهنگی کشور، باید به خانواده اهمیت بیشتری داده و راه کارهای تقویت بنیان‌های ترقی و تربیتی خانواده و مقابله با آسیب‌های آن را بیشتر مورد بررسی قرار داد. امام خمینی رحمته الله علیه براین باور است که یکی از علائم اصلی ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشریف تحول روحی و توجه به جهان معنویت و عالم غیب است و انقلاب اسلامی مقدمه ظهور ایشان است. ایرانیان متعهد و پایبند به اسلام ناب، پرچم نظام اسلام را به دست مقدس امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشریف می‌سپارند. از این رو، ایشان خطاب به ملت ایران می‌فرماید: «ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچون بکنیم که عالم برای آمدن حضرت عجّل الله تعالی فرجه الشریف مهیا بشود» (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۷).

فهرست منابع

- * قرآن مجید. مترجم: انصاریان، حسین (۱۳۹۲). تهران: چاپ اسلام.
- * نهج البلاغه. مترجم: فیض الاسلام، علی نقی (۱۳۷۹). تهران: موسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام.
- ۱. ابن ابی الحدید (بی‌تا). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه اسماعیلیان.
- ۲. ابن حزم (۱۴۰۸). المحلی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۳. احسانی، علی ابن ابراهیم (۱۴۰۳). عوالی اللئالی. قم: سید الشهدا.

۴. انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن.
۵. آقاخاتمی، بیوک (۱۳۷۰). نظامات اخلاقی و تربیتی اسلام به روایت معصومین علیهم السلام. زنجان: مرکز احیا و انتشار آثار علما.
۶. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۳۶۷). وسائل الشیعه. تهران: نشر اسلامیه.
۷. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
۸. خمینی، روح الله (۱۳۷۰). آداب الصلاه. مشهد: آستان قدس رضوی.
۹. خمینی، روح الله (۱۳۷۱). چهل حدیث. تهران: مؤسسه نشر و آثار امام.
۱۰. خمینی، روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسه نشر و آثار امام.
۱۱. رجایی، غلام علی (۱۳۸۷). برداشت‌هایی از سیره امام خمینی. تهران: چاپ و نشر عروج.
۱۲. سادات، محمد علی (۱۳۷۲). رفتار والدین با فرزندان. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. ستوده، امیررضا (۱۳۸۴). پایه‌های آفتاب. تهران: نشر پنجره.
۱۴. صادقی، محمدرضا (۱۳۷۰). تربیت در خانواده. تهران: انتشارات چاپار.
۱۵. صدوق، محمد علی بن بابویه (۱۳۶۱). من لایحضره الفقیه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۶. طبرسی، رضی الدین (۱۳۹۲). مکارم الاخلاق. بیروت: اعلمی.
۱۷. فیض کاشانی، محسن (۱۳۶۱). محجه البیضاء. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). اصول کافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. گروه نویسندگان (۱۳۹۲). کانون آرامش: ویژگی‌های خانواده اسلامی. قم: زمزم هدایت.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۱. هاشمی، خدیجه (۱۳۸۸). مجموعه مقالات چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت. قم: انتشارات المصطفی.
۲۲. هبثی، علی بن ابوبکر (۱۴۱۵). مجمع الزوائد. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۳. یوسفیان، نعمت الله (۱۳۸۷). مدیریت در خانه و خانواده. بی‌جا: اداره عقیدتی سیاسی نمایندگی ولایت فقیه در سپاه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی